

تهدید بنیادگرایان در کردستان عراق

مایکل رابین*

ترجمه از انگلیسی: برزان غفوری، شیرزاد ضیایی

چکیده

کشور عراق به علت اهمیت ژئوپولیتیک آن و وجود انواع قومیتها و مذاهب گوناگون، برای کسانی که می‌خواهند ایدئولوژی خود را عملی کنند پناهگاه خوبی به نظر می‌رسد. کردستان عراق به خاطر وجود کوههای مرتفع همیشه پایگاه مناسبی برای گروههای گوناگون از جمله تشکیل جنبشهایی با گرایش افراطی بوده است. یکی از این جنبشهای برجسته جندالاسلام است. بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ این گروه در این منطقه فلسفه‌ی وجودی خود را مبنی بر ترور دشمنان خدا اعلام داشت. با حمایت‌های مادی و معنوی که القاعده از جندالاسلام می‌نماید، شباهت زیادی بین این دو جنبش از نظر نحوه‌ی انجام عملیات (انتحاری) و اهداف مورد نظر (اکثرا سکولارهای طرفدار غرب) وجود دارد. طرز تلقی این گروه و گروههای مشابه آن با آداب و سنن مردم این منطقه همخوانی ندارد به همین دلیل با حکومت‌های نسبتا سکولار این منطقه بارها درگیر شدند. به علت جهت‌گیری‌های متفاوت در این جنبشها انشعاباتی در آنها تحت عناوین جدید ولی با اهدافی نسبتا یکسان صورت گرفته است. ادامه مطلب برگردانی در همین زمینه است.

در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ زمانی که تروریستهای القاعده با در دست گرفتن کنترل چهار هواپیما مرکز

* مایکل رابین یکی از اعضای شاخص در موسسه‌ی واشنگتن در زمینه‌ی سیاست خاور نزدیک است. او در حال حاضر مقیم موسسه‌ی لئونارد دیویس دانشگاه هیبرو در زمینه‌ی ارتباط بین الملل می‌باشد. او مدت نه ماه را در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ به منظور تحقیق و پژوهش و ارائه سخنرانی در کردستان عراق گذراند.

تجارت جهانی را سرنگون ساختند و آسیب سختی به وزارت دفاع وارد کردند، جهان شوکه شد. این نمایش غم‌انگیز القاعده در عرصه‌ی جهانی، توجه همه رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است و همواره در رأس اخبار بین‌المللی قرار گرفته است.

هر چند ایالات متحده تنها کشوری نبود که در یازده سپتامبر به وسیله‌ی تروریست‌های القاعده مورد هدف قرار گرفت. بزودی بعد از حوادث غم‌انگیز یازده سپتامبر مبارزان گروه‌های اسلامی خود را جندالاسلام (نیروهای اسلام) نام نهادند و در مناطق شمالی عراق مستقر شدند. آنها در کوه‌های استراتژیک «شینرو» مشرف بر حلبچه استقرار یافتند. در اعلامیه‌ی آغازین خود این گروه قصد خود را مبنی بر ترور دشمنان خدا تحت عنوان جهاد در این منطقه اعلام داشتند.

کردستان عراق از نظر طبیعی هدف جالبی برای القاعده است که به دنبال توسعه‌ی پناهگاه‌های خود در مناطق صعب‌العبور یا از لحاظ سیاسی متغیر هستند، می‌باشد. پیش از تغییر مکان از افغانستان «اسامه بن لادن» سودان رادر سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۱ میهن خود می‌دانست. گزارش‌ها حاکی از آن است که القاعده با اردوگاه‌های باقیمانده در سومالی ارتباط داشت. به عبارت ساده‌تر ردپاهایی از القاعده در دست است که این سازمان نه تنها به دنبال کسب وجهه‌ی جهانی است، بلکه به دنبال متنوع کردن حوزه‌ی جغرافیایی خود است.

اغلب مناطق کردستان عراق مانند افغانستان، کوهستانی است، حزب کارگران کردستان^۱ (PKK) ترکیه که به عنوان یک گروه مبارز در برابر ترکیه مبارزه می‌کند، اغلب از کوه‌ها و غارهای این منطقه برای پنهان شدن خود در برابر نیروهای ترکیه و مبارزان کردستان عراق استفاده می‌کنند. پول‌های سعودی در طول مرزهای پر خلل و فرج به صورت آزادانه و مداوم در این منطقه وارد می‌شوند. چنان که جندالاسلام در یک نشریه‌ی داخلی خود اعلام کرده است «که برای شروع جهاد در داخل مرزهای کردستان عراق چند دلیل وجود دارد. موقعیت جغرافیایی و کوهستانهایی با پوشش درختی که برای انجام این کار مناسب و ارزش راهبردی دارد».

کردستان عراق به خاطر داشتن اداره‌ای نسبتاً سکولار و دمکراتیک، همواره برای بی‌ثبات کنندگان افراطی، یک هدف سیاسی و سوسه‌انگیز بوده است. این افراط‌گرایان مبارزه خود را در شمال عراق به طور جدی از ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع کردند. وقتی که اعضای جندالاسلام ۴۳ نفر از مبارزان اتحادیه‌ی میهنی کردستان (با گرایش سکولار و طرفدار غرب) که حکومت استان سلیمانیه و همچنین قسمتهایی از مجاورت استان اربیل و کرکوک را در دست دارند، کشته و بدن آنها را قطعه‌قطعه کردند، مقامات عراقی این حملات را نه تنها چالش مستقیم با اتحادیه‌ی میهنی کردستان بلکه چالشی با ایده‌ی سکولاریسم و جوهره‌ی دمکراسی مدرن در خاورمیانه تفسیر کردند.

1- Kurdistan workers party

عامل دیگری که کردستان عراق را برای نفوذ القاعده مستعد می‌کند، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق است که از همکاری با گروه‌های اسلامی جهت تضعیف مخالفان داخلی و بین‌المللی ابائی ندارد.

مختصری از تاریخچه‌ی اسلامگرایی در کردستان عراق

اسلامگرایی در کردستان عراق موضوع تازه‌ای نیست، اگر چه هرگز جاذبه‌ی منطقه‌ای نداشته است. چنان که «جلال طالبانی» رئیس‌جمهور عراق در مصاحبه‌ی ماه می ۲۰۰۱ اظهار داشت که میراث فرهنگی عراق شامل عرف و سنتهایی است که منطبق با برنامه‌ی جنبش‌های اسلامی نیست. مانند سنت برابری بیشتر مرد و زن که مورد پذیرش این گروه‌ها نیست.

بعد از قیام ۱۹۹۱ کردها، و تحمیل منطقه‌ی پرواز ممنوع در شمال عراق، احزاب سیاسی متعدد در انتخابات پارلمان محلی شرکت کردند. حزب دمکرات کردستان (PDK) با رهبری مسعود بارزانی ۴۶ درصد آراء و اتحادیه میهنی کردستان (PUK) ۴۵ درصد و «جنبش اسلامی کردستان»^۱ (IMK) ۶ درصد آراء را به دست آوردند. با این وجود، جنبش اسلامی که انشعابها و تغییر شکلهای متعددی را تحمل کرده است، به صورت یک جنبش محلی در محدوده‌ی مرزی، به ویژه در شهر «حلبچه»^۲ باقی ماند.



بعد از جنگ داخلی بین اتحادیه‌ی میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان عراق در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۴، احزاب کرد منطقه‌ی پرواز ممنوع را بین خود تقسیم کردند. حزب دمکرات کردستان عراق کنترل مناطق شمالی و غربی (شامل تمام طول مرز ترکیه و عراق) و اتحادیه‌ی میهنی جنوب و شرق را زیر کنترل خود

- 1- Islamic Movement of Kurdistan
- 2- Halabja

درآورد. اتحادیه‌ی میهنی، به عنوان بخشی از توافق خود با جنبش اسلامی کردستان، قلمرو بین حلبچه، «طویله» و «پنجوین»^۱ نزدیک مرز ایران، در اطراف شهر «سید صادق»^۲ را به گروه‌های اسلامی واگذار کرد.



وارد شدن افراد از منطقه‌ی تحت کنترل اتحادیه‌ی میهنی به قلمرو جنبش اسلامی کردستان مانند وارد شدن به منطقه‌ی تحت کنترل طالبان افغانستان است. پرچم‌های سفید بر سر ایستگاه‌ها، مردان جوان با ریشهایی به سبک طالبان و با سلاح «آی کی-۴۷»، تمام مردم و ماشین‌ها را به جز ماشین‌های دولتی بازرسی می‌کردند. در سال ۱۹۹۹ افراد گرایان ماشین یک سازمان کمک‌های بشر دوستانه را بعد از رد شدن از یک ایستگاه بر سر جاده‌ی طویله به علت اینکه یک زن خارجی داخل ماشین روسری به سر نداشت، به آتش کشیدند. بعد از ظهر جمعه - زمانیکه مبارزان جنبش اسلامی اهالی محل را به حضور در مسجد وادار می‌کنند- شهر خالی از سکنه می‌شود.

در سراسر منطقه‌ی پرواز ممنوع، سعودی‌ها به مساجدی (با لوگوهای مخصوص بر روی دیوارهای آن) که مبلغ اسلام افراطی سلفی بودند کمک مالی می‌کردند. مساجد جدید در «حلبچه‌ی تازه ساخت، دلالت بر خط افقی محلی دارد، در حالی که در اربیل مساجد چند طبقه‌ی بسیار بزرگ در حال اتمام مشاهده می‌شود. جنبش

- 1- Tawella
- 2- Panjwin
- 3- Sayed Sadegh

اسلامی همچنین مسئول ساخت چندین مسجد تازه در دیگر شهرها و روستاها می‌باشد. در حالی که اتحادیه‌ی میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان ادارات خود را به مدت پنج سال در قلمرو همدیگر دایر نکردند، جنبش اسلامی ادارات خود را ضمن تقویت آنها در طول منطقه‌ی پرواز ممنوع حفظ کرد.

به هر جهت، جنبش اسلامی کردستان تنها نماینده‌ی اسلامگرایان در کردستان عراق نبود. دیگر حزب اسلامی، یعنی اتحاد اسلامی کردستان^۱ ادعا می‌کند که جنبشی مخالف خشونت است. همچنین خود را به عنوان سازمانی غیر خشونت‌آمیز و ارائه دهنده‌ی خدمات اجتماعی معرفی می‌کند. در حالی که اتحاد اسلامی کردستان به طور کلی نقش مثبت محلی خود را حفظ کرده است، تعدادی از سیاستمداران بزرگ هشدار می‌دهند که این گروه می‌تواند «حماس کردستان» باشد، به این معنی که این گروه به تدریج تأثیر خود را در میان فقیران و محرومان گسترش می‌دهد، اما زمانی که احساس کرد که دارای پایگاه کافی است به راحتی به فعالیتهای خشونت‌آمیز متمایل می‌شود. هر دو حزب، اتحاد اسلامی کردستان و جنبش اسلامی کردستان ایستگاههای تلویزیونی خود را حفظ کرده‌اند.

این گروهها به ویژه اتحاد اسلامی (نه به خاطر دلایل ایدئولوژیکی یا مذهبی بلکه به این دلیل که یک ایده‌ی اعتراضی به سایر گروههای خشونت‌گرا است) جاذبه‌ی وسیعی در بین مردم دارد. در حالی که دولت محلی کردستان عراق به انتخابات سال گذشته شهرداری‌ها به دیده‌ی تردید می‌نگرد، هر سال ماه نوامبر در بین دانشجویان دانشگاهها و مدارس دبیرستان انتخاباتی توسط احزاب سیاسی سازمان داده می‌شود و این احزاب به دقت آن را زیر نظر می‌گیرند. خیلی از دانشجویان گفته‌اند که آنها رأی دادن به احزاب اسلامگرا را علی‌رغم ناکامی آنها در تسلط بر احزاب محلی ملاحظه کرده‌اند. خیلی‌ها - به ویژه آنهایی که مذهبی نیستند - برای اسلامگرایان به دلیل فائق آمدن بر تقسیم‌بندی اتحادیه‌ی میهنی و حزب دمکرات کردستان، احترام قایل هستند. در نوامبر ۱۹۹۹، اسلامگرایان در انتخابات دانشجویی موفقیت‌هایی خوبی را به دست آوردند. این موفقیت اسلامگرایان به گفته‌ی مقامات محلی برای حزب دمکرات کردستان زنگ خطر بود که باید بیشتر مراقب افکار عمومی باشد. در نوامبر ۲۰۰۱ احزاب اسلامی تنها ۱۱ درصد آراء دانشگاه سلیمانیه را به دست آوردند. بسیاری از دانشجویان اتحادیه‌ی میهنی مقصر را مشکلات عدیده می‌دانستند و تقلیل آراء آنها در انتخابات نوعی اعتراض بود. در این میان حزب دمکرات دانشجویان و خانواده‌های آنها را به مجازات‌هایی مانند ندادن شغل و عدم اجازه‌ی شرکت در امتحان ورودی و... تهدید کرده بود.

^۱ - *Yekitiya Islamiya Kurdistan*

زنک خطر افراط‌گرایان

در رشته کوه‌های قندیل^۱، در اکتبر ۲۰۰۱ جنگ سنگینی بین اتحادیه‌ی میهنی کردستان و مبارزان PKK روی داد. شمار تلفات اتحادیه‌ی میهنی - که بالغ بر هزاران نفر می‌شد - هر روز از تلویزیون محلی اعلام می‌شد. در دربندیخان^۲ (شهر مرزی بزرگ در محدوده‌ی کرکوک) مقامات محلی یک عمارت مخصوص برای تدفین قربانیان درست کردند. PKK در کردستان عراق محبوبیت خود را از دست داد (اگر چه تلویزیون ماهواره‌ای PKK یعنی Med-TV به خاطر کیفیت خوب تولیداتش مخاطبان زیادی داشت). اما هم اتحادیه‌ی میهنی و هم حزب دمکرات کردستان عراق مجبور به دفاع در برابر فعالیت مبارزان PKK بودند. مدتی سوریه از این گروه حمایت کرد (تا بسیج سال ۱۹۹۸ که دمشق را متقاعد به خاتمه دادن حمایت از این گروه کند).

اختلاف در اردوگاه افراط‌گرایان

چندین دسته‌بندی از جنبش اسلامی کردستان (که بعداً در ۲۰۰۱ جنبش اتحاد اسلامی نامگذاری شد) به شرح زیر است:

حماس^۳: منشا آن گرمیان^۴ (شهرهایی مانند، کفری^۵، چمچمال^۶) است. اعضای متعصب حماس از تفسیر سلفی اسلام که در آن قرآن و حدیث به صورت لفظ به لفظ تفسیر می‌شوند، حمایت می‌کنند. آنها با اتحادیه‌ی میهنی در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ برخورد خشونت‌آمیز داشتند و بعد از آن در اطراف شهر «خرمال^۷» ساکن شدند. بعد از توافق جنبش اسلامی برای شرکت در دولت اتحادیه‌ی میهنی کردستان، این جنبش از جنبش اسلامی کردستان جدا شد (حماس اعلام کرد که هر گونه همکاری با احزاب سکولار برخلاف اسلام است). گروه حماس به وسیله‌ی «عمر عبدالکریم عبدالعزیز» (عمر بارزانی^۸) رهبری می‌شود. عمر همراه با «ماکوان قاضی رمضان» (ماکوان موریاسی) و ارسلان احمد مارف در افغانستان آموزش دیده و جنگیده است. در جولای ۲۰۰۱ حماس با جنبش توحید تحت نام جدید یعنی جبهه توحید اسلامی متحد شد.

توحید^۹: توحید به رهبری «ملا عبد الغنی بزازی» در مسجدی در اربیل تأسیس شد. حزب دمکرات

- 1- Qandil
- 2- Darbandikhan
- 3- Hamas
- 4- Garmian
- 5- Kifri
- 6- Chamchamal
- 7- Khormal
- 8- Umar Barzani
- 9- Tawhid

کردستان عراق این گروه را غیر قانونی اعلام کرد، چون رهبری جنبش اسلامی توحید از حزب دمکرات کردستان حمایت نکرد. در سال ۲۰۰۰ یک گروه مشکوک در گروه توحید تشکیل شد که خود را گروه توحید اسلامی نام نهاد. این گروه مبارزه‌ی تروریستی خود را با عملیات انتحاری یک زن بی‌حجاب آغاز کرد. زمانی که حزب دمکرات با این گروه برخورد کرد خیلی از آنها به حلیچه تغییر مکان دادند و در «حاجی عمران» نیز یک پایگاه به راه انداختند.

ارتباط توحید و حماس تا اندازه‌ای جدا از تنفر دو جانبه از جنبش اسلامی «ملا عبدالعزیز» (جایگزین جنبش اسلامی کردستان) توسعه پیدا کرد. طبق گزارشهای متعدد، دو تن از اعضای توحید- ملا ابوبکر هولیری و ابوقتاده - برای تقویت ارتباط با بن لادن به افغانستان سفر می‌کردند. در ۸ آگوست، ابوقتاده یک ضیافت شام را ترتیب داده و از میهمانهایش با داستانی از بن لادن پذیرایی کرد. در جولای ۲۰۰۱ توحید چند تن از اعضای خود را برای آموزش در اردوگاههای القاعده به افغانستان فرستاد. اسامی این افراد عبارت بودند از: محمد صالح عمر، سواره کریم، وحید محمد محمود، اسامه احمد بازیانی و هیمن سلیم بانی شاری. ملا ابوبکر هولیری به عنوان رهبر و عمر بازیانی به عنوان معاون به حماس پیوستند.

گروه توحید در ۹ فوریه‌ی ۲۰۰۱ آخرین برخورد خود را به صورت شتاب زده با سکولارها و اسلامگرایان، زمانی انجام داد که مردان مسلح «فرانسو حریری»^۱ را که رهبری اصلی حزب دمکرات کردستان در پارلمان کردستان و از مقامات عالی رتبه مسیحی دولت بود، به قتل رساندند. مقامات اتحادیه‌ی میهنی مرد مظنونی را بازداشت کردند که نام پنج تن دیگر را می‌دانست. گزارشها حاکی از آن است که گروه توحید می‌خواست به خاطر اتفاقی که در تابستان ۲۰۰۱ که در آن پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان بر روی مبارزان نفوذی به عراق از طریق ایران آتش گشودند، انتقام بگیرد (حزب دمکرات کردستان ادعا کرد که آنها فکر کرده اند که این نفوذی‌ها از اعضای PKK هستند). در این جنگ بیست تن از مبارزان توحید کشته شدند؛ اگر چه تعداد زیادی از مقامات محلی در اربیل گمان می‌کنند که یکی از دلایل قتل فرانسو حریری مذهب او (مسیحی) بود.

جنبش اسلامی کردستان در اواخر مارس ۲۰۰۱، انتقال زندانیان مظنون را به حزب دمکرات کردستان رد کرد. بعد از آن هم اتحادیه‌ی میهنی و هم حزب دمکرات کردستان دفاتر این حزب را بستند، هر چند که دفاتر این حزب در هفته‌ی دوم آوریل دوباره باز شدند. تعدادی از اعضای مخالف خشونت جنبش اسلامی ادعا کردند که حزب دمکرات کردستان بیش از ۲۰۰۰ نفر از اسلامگرایان را بازداشت کرده است (در آن زمان به شوخی می‌گفتند که قیمت تیغ به شدت بالا رفته، چون تعدادی به سرعت در جستجوی آن هستند تا ریش خود را بتراشند). اگر چه شمار واقعی آنها احتمالاً کمتر از این تعداد باشد.

1- Fransu Hariri

دومین واحد سوران^۱: این گروه با ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر نظامی تنها واحد بزرگ نظامی در داخل جنبش اسلامی کردستان (و جانشین آن جنبش اتحاد اسلامی) بود. تقریباً حدود ۵۰ تا ۶۰ تن عرب در این گروه وجود داشت. بسیاری از آنها در افغانستان آموزش دیدند. دومین واحد سوران با سلاحهایی مانند: دوشکا (راکتهای سطح به سطح)، آتشبارهای ۲۰۶ میلی متری و تعداد دیگری سلاح سنگین مسلح هستند. آنها در پایگاهی در اطراف شهر بیاره^۲ نزدیک مرز در طویله باقی ماندند. رهبر این شاخه اسد محمد حسن (آکو هولیری) است که تا سال ۱۹۹۹ عضو جنبش اسلامی کردستان بود و تا سال ۱۹۹۷ عضو شورای مرکزی آن بود و مدتی از لحاظ ایدئولوژیکی و به صورت خشونت‌آمیز با اتحادیه‌ی میهنی کردستان و همچنین حزب دمکرات کردستان عراق در تضاد بود.

شاخه‌ی دوم واحد سوران را یک گروه سیاسی به نام جبهه مرکزی اسلامی به رهبری آسو هولیری^۳، چند عرب و یک فرد ترکمان به نام ابو خوبایای باراکاک^۴ (که در حال حاضر به اتهام ترور در زندان حزب دمکرات کردستان است) به وجود آورد. بعد از انشعاب در جنبش اسلامی کردستان و جنبش توحید اسلامی، دومین واحد سوران در آغاز مستقل بود اما در نهایت به جبهه‌ی توحید اسلامی پیوست.



جنبش اتحاد اسلامی^۵: در آگوست ۲۰۰۰، جنبش اسلامی ملا عبد العزیز، با دیگر گروهها به رهبری ملا صدیق متحد شدند و جنبش اتحاد اسلامی را تشکیل دادند. اختلافات شخصی بین جنبش اتحاد اسلامی به

- 1- The Second Soran Unit
- 2- Biyara
- 3- Aso Holleri
- 4- Abu Kobayi Barachak
- 5- The Islamic Unit Movement

رهبری ملا علی بابیر^۱ با پیروانش از بین رفت و یک جنبش اسلامی را به نام پیمان اسلامی^۲ (با اتحاد اسلامی کردستان اشتباه نشود) تشکیل دادند. در ۲۲ اکتبر ۲۰۰۰، نزاع مسلحانه بین دسته‌بندی‌های مخالف روی داد. علاوه بر این، رقابت‌های فرقه‌ای در جنبش اتحاد اسلامی ادامه داشت. سلفی‌ها در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس همچنین به عنوان طرفداران القاعده قادر بودند که از تقسیم‌بندی بین جنبشها برای افزایش بار تأثیرگذاری خود استفاده کنند.

قیام جندالاسلام

اتحادیه‌ی سوران و جبهه‌ی اسلامی توحید، برای تشکیل جندالاسلام متحد شدند. طبق گزارش روزنامه‌ی الشرق الاوسط، سه افغانی آموزش دیده‌ی عرب تبار به نامهای ابو عبدالرحمان، نماینده بن لادن در زمینه نظارت بر توافقات و رسانه‌ها در کردستان، ابو وائل^۳ کارشناس و عامل خرابکاری، ابو دارد^۴ استاد تروریسم و آدم‌کشی شاهدان این توافق بودند.

بر اساس این توافق، این سه نفر کمک‌اهدایی بن لادن را به جندالاسلام انتقال دادند. بر اساس گزارشها تقریباً ۶۰ نفر از ۴۰۰ جنگجویان جندالاسلام در افغانستان آموزش دیده و در طول جنگ، جندالاسلام از طریق تلفنهای ماهواره‌ای با پایگاههای مبارزان اسلامگرا در اردن ارتباط داشتند. دولت صدام حسین با گروههایی از جندالاسلام در شهر موصل همکاری می‌کرد.

منابع آگاه در کردستان عراق اشاره می‌کند که این عوامل نفوذی در آغاز سه یا چهار راکت کاتیوشا، نارنجکهای ۱۰۶ متری و سلاحهای ضد هوایی و ضد تانک، تیراندازهای نیمه خودکار، تفنگهای ماشینی BKC و خمپاره‌اندازها در اختیار داشتند. بعضی گزارش می‌دهند که شمار سربازان مزدور عرب، بالغ بر ۴۰۰ نفر هستند، اگر چه گزارشهای بعدی صحبت از ۶۰۰ مبارز کردند که به شش گردان ناصر، فتح، بدر، فداییان و صلاح‌الدین تقسیم شدند:

سی و چهار نفر از اعضای جندالاسلام از کردهای عراقی بودند که در افغانستان آموزش دیده بودند. جندالاسلام بارها اعلام کرده که مبارزان خود را برای چهار سال به منظور آموزش نحوه‌ی عملیات انفجاری و حمل انواع سلاحهای سنگین به افغانستان فرستاده است.

چندین مقام ترک ادعای اتحادیه‌ی میهنی را مبنی بر اینکه جندالاسلام به القاعده پیوسته است، رد کردند و مقامات کُرد را به تلاش برای فشار آوردن بر طرفداران بن لادن متهم می‌کردند تا آنها بتوانند از حمایت‌های

- 1- Mullah Ali Bapir
- 2- Islamic League Movement
- 3- Abu Wa il
- 4- Abu Darda

نظامی آمریکا استفاده کنند. اگر چه قبل از شعله‌ور شدن آتش جنگ، کردهای عراقی حداقل در چرخه سیاست آمریکا مشهور شدند. همچنین مقامات مستقل سیاسی گزارشهایی در مورد مرد نفوذی سیاه پوستی که بیشتر به زبان عربی صحبت می‌کرد، ارائه داده‌اند.

سازمان جندالاسلام

رهبر جندالاسلام عبدالله الشافعی^۱ (ملا وریا هولیری) است. بعضی‌ها هویت شافعی را از اقوام عرب ایران می‌دانند. او ظاهراً یک کُرد عراقی از روستای گور^۲ نزدیک اربیل است. شافعی در سال ۱۹۹۳ روانه افغانستان شد، اما از آن زمان به بعد سه بار به کردستان برگشته است. او همچنین در چچن جنگ کرده است. آکو هولیری به صورت رسمی مسئولیت واحد سوران را به عنوان معاون شافعی در دست داشت.

تشکلات مهم در سازمان جندالاسلام به این شرح است:

- هیئت شریعت^۳، شامل یک کمیته تحقیق سئوالات شرعی و صدور احکام، یک کمیته برای ترویج پرهیزگاری و دوری از گناه، یک کمیته برای نظارت بر وضع قوانین اسلامی.

- مجمع رهبری مجاهدین اسلامی، که بر مسائل نظامی نظارت می‌کند.

- شورای رسانه‌ها، که بر توسعه گروه رسانه‌ها شامل ایستگاه رادیویی جندالاسلام (که کار خود را از درگاشیخان شروع کرد).

- صدور بخشنامه‌ها و اداره روابط عمومی، که روابط خارجی را کنترل می‌کند.

- سازمان مردم عوام.

جندالاسلام در «بیاره» - روستایی در مرز ایران - پایه‌گذاری شد و بعد از پایه‌گذاری، شهر مرزی طویله همچنین روستاهای ملا چناره، خاک کلان، زردل هلا، هندی، درگاشیخان، بلخا، میشله و پنجوین^۴ را تصرف کردند. این گروه اعلامیه‌ای مانند اعلامیه طالبان برای نواحی تحت کنترل خود شامل دستوراتی به شرح ذیل، اعلام کرد:

- جنگ مقدس در برابر بی‌حرمتی به مقدسات و جنگ با سکولارها.

- اجرای احکام خدا.

- جلوگیری از هرگونه ارتباط با احزاب سکولار.

- ایجاد یک اداره اسلامی در مناطق سنی نشین.

1- Abdullah al_Shafi i

2- Gwer

3- Shari a board

4- Milah Chinara, Khak Kelan, Kharpan, Hanadi, Dargashikhan, Ballkha, Mishla, Panjwin

- اتحاد همه احزاب اسلامی تحت کنترل جندالاسلام.

- نپذیرفتن هیچ قانونی جز قوانین اسلامی.

به منظور اعلان دیدگاه، جندالاسلام فوراً یک مبارزه را به منظور بی‌ثباتی و ایجاد وحشت براه‌انداخت. درست در زمانی که طالبان پیکرهای بودا (پیش از اسلام) را در بامیان تخریب کرده، جندالاسلام دو مقبره کاک‌ها (از فرقه‌های پیش از اسلام) را ویران نمود. حامیان جندالاسلام همچنین یک مقام بلند پایه گرد و یک مسلمان سکولار میانه‌رو را به قتل رساندند. منابع امنیتی محلی که چندین طرح قتل و به راه انداختن یک موج بمب‌گذاری را که قرار بود از سلیمانیه آغاز و به سراسر کردستان عراق نیز کشیده شود، کشف کردند.

بعد از قتل عام نیروهای اتحادیه میهنی کردستان، این حزب به شدت واکنش نشان داد. نخست وزیر این حزب (برهم صالح) در مصاحبه ماه سپتامبر با خبرگزاری MEIB اظهار داشت که کردستان عراق پناهگاهی امنی برای تروریستها نیست. در سوم اکتبر، اتحادیه میهنی کردستان از گروه‌های اسلامی به رهبری علی باپیر درخواست کرد که احمدآباد و خرمال را تخلیه کند تا به خوبی بتواند با جندالاسلام مقابله کند (علی باپیر جنبش خود را از ملا عبدالعزیز در ماه ژوئن به دنبال نزاع داخلی جدا کرد). رهبران نه گروه دیگر از ملا علی جدا شدند، اما تا سیزدهم سپتامبر که دوباره به زیر پرچم باپیر برگشتند به صورت مستقل باقی ماندند.

زمانی که اتحادیه میهنی وارد شهر حلبچه شد، نیروهای جندالاسلام آنها را در بلندیهای کوه شینروی زیر آتش گرفتند. نیروهای PUK نیروهای جندالاسلام را محاصره کرده و آنها را زیر آتش سنگین توپخانه قرار دادند. در نبرد هشتم اکتبر، ابو عبدل رمضان (یک عرب سوری و گماشته شخصی بن لادن) و ابو یاسر (عرب بغدادی) کشته شدند. نبرد تا اکتبر هم ادامه داشت. همچنین چندین تلاش در مذاکرات برای اتحاد جندالاسلام با گروه اسلامی علی باپیر صورت گرفت. در بیست و سوم اکتبر مبارزان جندالاسلام شهر خرمال را در پانزده کیلومتری حلبچه تصرف کردند و تمام حامیان اتحادیه میهنی را از خانه‌هایشان بیرون کردند. هفت روز بعد مبارزان جندالاسلام در طول جاده اصلی به منظور جمع کردن مالیات و عوارض گمرکی از کامیونهای ترانزیتی یک ایستگاه تأسیس کردند. در نزدیک نوامبر اتحادیه میهنی حملات جدیدی بر علیه موقعیت جندالاسلام به راه انداخت. در پی این حملات برخی از قلمروها را از آنها بازپس گرفتند و تلفات سنگینی را هر دو طرف متحمل شدند.

به هر حال پیشمرگه‌های اتحادیه میهنی از ریشه کن کردن جندالاسلام عاجز ماندند. در دهم دسامبر روزنامه «هاولاتی»^۱ متعلق به حزب دمکرات کردستان گزارش داد که ملا کریکار^۲ و عبدالرحمان رهبران

1- هاولاتی (همشهری) در سلیمانیه منتشر می‌شود و بیشتر متمایل به اتحادیه‌ی میهنی کردستان است. (زریار) Hawlati -1

2- Mullah Krekar

جنبش اسلامی کردستان با جندالاسلام متحد شدند و جنبش اسلامگرایی جدیدی به نام حامیان اسلام در کردستان تأسیس کردند. چنان که در برخورد قبلی با PKK در کردستان عراق نه اتحادیه میهنی و نه حزب دمکرات کردستان قادر نبودند دشمنی را که کمکهای مادی و لجستیکی خارجی دریافت می کند، شکست دهند. با این حال به نظر می رسد که PKK برای صلح طولانی ناخواسته مجبور به مذاکره خواهد شد.

ضرورت قیام جندالاسلام

مدارک نشان می دهد فشار بر گروههای اسلامی آنها را وادار می کند تا در جستجوی تأسیس پناهگاه امن در کوههای کردستان عراق باشند. پولهای خصوصی و عمومی عربستان سعودی و همچنین القاعده، این گروه جدید را حمایت می کنند. به طور واضح بن لادن و نمایندگان او، کردستان عراق را پایگاه مناسبی برای انجام عملیات بر ضد منافع امنیتی آمریکا و همچنین ترکیه می دانند.

منابع و مأخذ:

- 1 David Nissman. "Men in Black." *Radio Free Europe/Radio Liberty Iraq Report*, 21 September 2001.
- 2 Jund al-Islam 'Clarification' No. 1, transferred to me by sources in northern Iraq.
- 3 Bob Drogin and Paul Watson, "Response to Terror: The Investigation," *The Los Angeles Times*. 9 December 2001.
- 4 "Jund al-Islam Program and Internal By-Laws," copies of which fell into PUK hands during the September fighting. The document adds, "Another reason is that this nation is descended from Salahuddin Ayyubi (May Allah Bless Him) who historically achieved victory for Islam and Muslims [against the Crusaders]."
- 5 For example, note the activity of "Saddam's Fidayin," as described in: "Legitimate Justification," *The Wall Street Journal Europe*, 18 December 2001.
- 6 "Jalal Talabani: 'No Grounds for a Relationship with Baghdad,'" *Middle East Quarterly*, Winter 2002.
- 7 Both organizations maintain web pages at www.kurdiu.org and www.ite.mh.se/~abdsu97/ikl, respectively.
- 8 Report by Abbas al-Badri, *Al-Sharq al-Awsat* (London), 28 September 2001.
- 9 Ismail Zayir in *Al-Hayat* (London), 5 October 2001, as cited in: R.M. Ahmad. "Afghan Taleban and Qaida did train Jund al-Islam," Kurdishmedia.com, 5 October 2001.
- 10 Barham Salih, "Iraq and Counterterrorism: The Role of the Kurdistan Regional Government," The Washington Institute for Near East Policy, *Policywatch* No. 575, 18 October 2001.
- 11 Personal sources inside northern Iraq.
- 12 Personal sources inside northern Iraq. See also William Safire, "Bite the Bullet and Target Iraq," *The Guardian* (London), 25 September 2001.
- 13 Barham Salih. "Iraq and Counterterrorism: The Role of the Kurdistan Regional Government," Th Washington Institute for Near East Policy, *Policywatch* No. 575, 18 October 2001.
- 14 Harem Jaff, "Shadow of Usama Bin Laden in South Kurdistan," Kurdishmedia.com, 12 September 2001.

- 15 See, for example, "Turkey says no evidence of Iraqi Kurd Islamist link to Taliban," Agence France Presse, 3 October 2001.
- 16 Contact with PUK intelligence sources in northern Iraq, contrasted with Harem Jaff, "Shadow of Usama Bin Laden in South Kurdistan." Kurdishmedia.com, 12 September 2001.
- 17 "Part of the Islamic Movement's Union of Kurdistan and Tawhid join to form Jundul Islam (Soldiers of Islam)," Patriotic Union of Kurdistan, Bureau of International Relations, September 2001.
- 18 Drawn from "Jund al-Islam Program and Internal By-Laws," copies of which fell into PUK hands during the September fighting.
- 19 Harem Jaff, "Shadow of Usama Bin Laden in South Kurdistan," Kurdishmedia.com, 12 September 2001; "PUK and KDP agree to eliminate Islamic fundamentalists, Jund al-Islam," Kurdishmedia.com, 12 September 2001.
- 20 "PUK Requests KIG to vacate the areas under their control," Kurdishmedia.com, 13 September 2001. 21 "The Independent Islamic factions reunite with Kurdistan Islamic Group," Kurdishmedia.com, 13 September 2001.
- 22 Barham Salih, "Iraq and Counterterrorism: The Role of the Kurdistan Regional Government," The Washington Institute for Near East Policy, *Policywatch* No. 575, 18 October 2001.
- 23 "Jund al-Islam establish custom points in its areas," Kurdishmedia.com, 30 October 2001.
- 24 "Jund al-Islam become 'Supporters of Islam in Kurdistan," *Hawlati*, 10 December 2001.
- 25 "Jund al-Islam on the run, PUK captures incriminating video." Kurdishmedia.com, 4 October 2001.
- 26 "Jund al-Islam receives external logistic aid," Kurdishmedia.com, 4 October 2001.

منبع ترجمه:

- Rubin, Michael (2004) **The Islamist Threat in Iraqi Kurdistan**, Middle East Intelligence Bulletin.

